



درآمدی بر سبک زندگی اسلامی

پدیدآورنده (ها) : فاضل قانع، حمید

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات اجتماعی و رسانه :: زمستان ۱۳۹۱ ، سال اول - شماره ۲

صفحات : از ۹ تا ۳۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/989952>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی مقایسه ای آراء و نظریات امیل دورکیم و ماکس وبر در جامعه شناسی دین
- بررسی تطبیقی روش شناسی مارکس و دورکیم در فرایند شناخت
- بررسی اندیشه های بزرگان جامعه شناسی دین
- نگاهی به نظریه های سبک زندگی
- مفهوم سبک زندگی و گستره ی آن در علوم اجتماعی
- بررسی انتقادی آراء و نظرات وبر درباره صدر اسلام
- تعاریف سبک زندگی و کاربرد آن در رفتار مسافرتی
- جامعه شناسی دین از دیدگاه ماکس وبر
- نگرش جامعه شناسی به دین با تاکید بر نظریه دورکیم
- تاملی در نظریات جامعه شناسی دینی معاصر
- اندیشمندان سبک زندگی
- نقد دیدگاه ماکس وبر درباره دین و معنای زندگی

عناوین مشابه

- درآمدی بر سبک زندگی خانواده اسلامی
- درآمدی بر سبک زندگی اسلامی
- پژوهش؛ درآمدی بر بهبود سبک زندگی اسلامی
- درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات
- مهندسی فرهنگ، مبنای سبک زندگی اسلامی؛ درآمدی بر دیدگاه های قرآنی استاد علی صفایی حائری
- آیین زندگی در سایهٔ همسایگان؛ معرفی اجمالی کتاب «درآمدی بر اخلاق همسایگی براساس آموزه های اسلامی» و برش هایی از آن
- پیش بینی بهزیستی اجتماعی بر اساس سبک زندگی اسلامی و مهارت های اجتماعی مردم شهر اصفهان
- پیش بینی کمال گرایی و شادکامی بر اساس سبک زندگی اسلامی معلمان
- اثربخشی آموزش خودشفقتی ذهن آگاهانه با تاکید بر سبک زندگی اسلامی-ایرانی بر کارکرد خانواده مادران دارای کودک اتیسم
- ارائه روشی دلالت پژوهانه در مطالعات سبک زندگی اسلامی مبتنی بر روابط معنایی واژگان قرآنی

* درآمدی بر سبک زندگی اسلامی

حمید فاضل قانع**

چکیده

سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوهای نظام‌مند رفتاری است که خاستگاه آن را باورها، ارزش‌ها و هنجارهای شکل گرفته در یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ تشکیل می‌دهد. از آنجا که فرهنگ جوامع بشری، به میزان بسیاری از عامل دین اثر می‌پذیرد، طبیعی است که آموزه‌های دینی در شکل‌گیری سبک زندگی مؤثر باشد. دین اسلام نیز که آموزه‌های آن به تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان توجه، و او را تا رسیدن به سعادت جاودان راهبری می‌کند، در سه سطح بینش، گرایش و کنش، الگوهایی را ارائه کرده است که بر اساس آن، می‌توان در فرهنگ‌های گوناگون بشری، سبک زندگی اسلامی را پایه‌ریزی کرد. در این پژوهش، کوشیده‌ایم بستری مناسب برای درک آموزه‌های اسلامی و الگوگیری از آنها برای ایجاد شیوه‌ای از زیستن بهتر انسانی فراهم آوریم. همچنین در این نوشتار، به نقش و جایگاه رسانه‌های همگانی، به‌ویژه رسانه ملی در فرآیند ترویج و تثبیت سبک زندگی اسلامی توجه کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، فرهنگ، رفتار، اسلام، رسانه ملی.

* این مقاله، گزارشی است از کتابی با عنوان سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، که به تازگی به قلم نویسنده، در مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما به انجام رسیده است.

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

مقدمه

در طول تاریخ و در جوامع گوناگون، زندگی افراد بشر همیشه بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات معین نظم و نسق یافته است که به طور طبیعی می‌توان همواره آن را واجد سبک دانست، ولی اقتضائات زندگی در جوامع مدرن و متکی بر فرهنگ و تمدن غربی، به تدریج شرایطی را پدید آورد که توجه دانشمندان علوم اجتماعی را بیش از پیش به الگوهای خاصی برای زندگی جلب کرد. شرایط جدید کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و نیز فراهم آمدن زمان فراغت بیشتر برای بخش زیادی از بدنه اجتماع در قرن بیستم، الگوهای خاصی از کار و فعالیت، مصرف و شیوه‌های گذران اوقات فراغت را پدید آورد که نشانه‌ای از تحول اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از جوامع بشری بود و به همین دلیل، جامعه‌شناسان را به سوی توجه به مقوله سبک زندگی^۱ کشاند. در این راستا، امروزه اصطلاح سبک زندگی در ادبیات علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، تولید، مصرف، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز دارد و حاصل این رویکرد نیز، خواسته یا ناخواسته، تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی است که خاستگاه آن، فرهنگ سکولار غربی و عقبه معرفتی آن است. بی‌گمان، پذیرش منفعلانه این‌گونه از سبک زندگی برای جوامع مسلمان، که خود از گنجینه‌ای ارزشمند در حوزه سبک زندگی بهره‌مند هستند، شایسته نیست و طبیعی است که به اقتضای اسلامی بودن جامعه ایرانی، باید بر سبک زندگی اسلامی- ایرانی تأکید ویژه شود. بنابراین، برای نهادهای اثرگذار فرهنگی، همچون خانواده، آموزش و رسانه، توجه به آموزه‌های اسلامی و

الهام گرفتن از آنها، برای شکل دادن نوعی از سبک زندگی، که متناسب با شاخص‌های فرهنگی خاص جامعه ایرانی باشد، مهم خواهد بود.

اهمیت این نکته زمانی چند برابر می‌شود که متوجه باشیم سبک زندگی، صرفاً بخشی کتابخانه‌ای یا آرشیوی نیست و در همه جای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حضوری پیوسته و پررنگ دارد. پس نمی‌توان همه چیز آن را در قالب قانون، بخش‌نامه و دستورالعمل ارائه کرد، بلکه برای بخش‌های مهمی از آن، باید بسترسازی اجتماعی مناسبی صورت گیرد و با تبلیغ همیشگی و اقبال عمومی، به صورت هنجارهای اجتماعی درآید. در این مرحله، نقش رسانه‌های همگانی، به عنوان نهادی مهم در جامعه‌پذیری افراد، کاملاً به چشم می‌آید تا به کمک ابزارهای دیداری و شنیداری خود، از ظرفیت‌های گسترده زیبایی‌شناختی و هنری برای ترویج و تثبیت سبک زندگی اسلامی بهره برد. در آموزه‌های دین مبین اسلام نیز بر این نکته تبلیغی تأکید و توجه ویژه‌ای وجود دارد که مخاطب این آموزه‌ها، سازگاری آنها را با نیازها و فطرت خود به درستی درک کند. زیرا در پی فراهم آمدن چنین درک و برداشتی، انسان با آمادگی بیشتری این آموزه‌ها را می‌پذیرد، و الگوهای پیشنهادی را در مسیر زندگی خود به کار می‌گیرد.



تحول مفهومی سبک زندگی

در کنار برداشت‌های عمومی از مفهوم سبک زندگی در سطوح گوناگون جامعه، باید این واقعیت را پذیرفت که امروزه سبک زندگی، یک اصطلاح خاص علمی در علوم اجتماعی است. پس ضرورت دارد ابتدا مقصود اندیشمندان را از این اصطلاح دریابیم و سپس بر اساس ادبیات مشترک، به بررسی و تبیین دیدگاه برآمده از آموزه‌های اسلامی بپردازیم.

پی‌گیری تاریخی مفهوم سبک زندگی و بررسی پیشینه آن در علوم اجتماعی، نشان می‌دهد جامعه‌شناسان در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و نیز در آغاز قرن بیستم، به مفهوم اولیه این اصطلاح توجه کرده‌اند. مثلاً از تعبیراتی که ماکس وبر^۱ (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴م) در آثار خود به کار برده، می‌توان دریافت که وی، به مفهومی ناظر بر ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی که به گروه احساس هویت می‌بخشد، توجه داشت، و رفتار را برآمده از تمایلات و ترجیحاتی

1. Max Weber.

می دانست که در نهاد افراد شکل می گیرد و فرصت های زندگی، بستر بروز آن را فراهم می کند (هندری و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۳۲). زیمل^۱ (۱۹۱۸ - ۱۸۵۸م) نیز سبک زندگی را مجموعه صورت های رفتاری می دانست که فرد یا گروه، بر اساس انگیزه های درونی خود و در راستای تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی خود، برگزیده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۲).

دگرگونی های گسترده اجتماعی در طول قرن بیستم که حاصل گسترش و تثبیت تمدن غربی در گستره وسیعی از جهان بود، چرخش رویکرد جامعه شناسان را در تحلیل ها و تبیین های اجتماعی خود، از مقوله تولید به مصرف، و از حوزه اقتصاد به فرهنگ موجب گردید. کاهش میزان کار روزانه، افزایش میزان اوقات فراغت، و پدید آمدن طبقه متوسط جدیدی که بخش زیادی از بدنه جامعه را تشکیل می داد و الگوها و سبک های مصرفی ایشان، در قالب تحلیل های طبقاتی و کلاسیک جامعه شناسان نمی گنجید، سبب شد تا جامعه شناسان، به تدریج در تحلیل های خود برای تبیین واقعیت های اجتماعی، مفهوم سبک زندگی را جایگزین طبقه و مشتقات آن سازند. ویژگی برجسته این وضعیت اجتماعی، آن است که افراد، فارغ از تعلق شان به کدام طبقه اجتماعی، می کوشند با اتخاذ الگوهای رفتاری خاص و سبک ویژه، خصوصاً در حوزه مصرف، هویتی دلخواه از خویشستن تعریف و ارائه کنند. به همین دلیل، بوردیو^۲ (۲۰۰۲ - ۱۹۳۰م) سبک زندگی را فعالیت های نظام مندی تعریف می کند که از ذوق و سلیقه فرد سرچشمه می گیرد و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارد و در عین حال، به صورت نمادین به فرد، هویت می بخشد و بدین ترتیب، میان قشرهای مختلف اجتماعی تمایز پدید می آورد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۸۶ و ۳۳۷). گیدنز^۳ (متولد ۱۹۳۸م) نیز سبک زندگی را مجموعه ای از عمل کردها می داند که فرد با بهره گیری از آنها، افزون بر رفع نیازهای جاری خود، روایت خاصی از هویت شخصی خویش را در برابر دیگران مجسم می سازد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

این هویت خودساخته و فردگرایانه، در سلیقه و تمایلاتی ریشه دارد که در گذر زمان و با تکیه بر فرصت های زندگی شکل می گیرد. الگوی مصرف، شیوه تغذیه، پوشش، نوع مسکن، شیوه گذران اوقات فراغت، تمرکز بر علاقه مندی ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی

1. Georg Simmel.

2. Pierre Bourdieu.

3. Anthony Giddens.

خانوادگی، الگوهای بهداشت و سلامت، و دیگر شاخص‌های مورد توجه در موضوع سبک زندگی، همگی به جنبه‌هایی از زندگی انسان مربوط است که فرد، با توجه به ذوق و سلیقه خود یا گروهی که در آن عضو است، درباره آن دست به انتخاب می‌زند. بورديو در توضیح ویژگی انتخابی و اکتسابی بودن سلیقه، آن را نوعی عادت‌واره معرفی می‌کند که کاملاً ناشی از فرآیند جامعه‌پذیری و آموزش، و متأثر از موقعیت فرد در محیط اجتماعی است.

این توضیح نشان می‌دهد توجه اندیشمندان در مقام بررسی سبک زندگی، تنها بر رفتارهای عینی و به ویژه مصرفی، متمرکز نیست و به تدریج به سوی جنبه‌های ذهنی‌تر، مانند گرایش‌ها و نگرش‌ها سوق یافته است (گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۲۰)؛ زیرا آنان دریافتند که در ورای بسیاری از رفتارها و باورهای ما، این ارزش‌ها و طرز تلقی ما از هویت‌مان است که خودنمایی می‌کند. از این رو، مفاهیمی مانند ارزش و هویت، نقشی برجسته در تعریف سبک زندگی پیدا می‌کند. بنابراین، در بررسی سبک زندگی، باید به باورها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی نیز توجه کنیم؛ زیرا این باورها در سطوح رفتاری افراد اثرگذار است و از راه ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، می‌تواند در جهت‌گیری رفتار، که از آن با عناوینی مانند سلیقه یا ترجیحات فردی و گروهی یاد می‌شود، تعیین‌کننده و مؤثر باشد. به عبارت دیگر، در یک رابطه طولی، بینش و نگرش، موجب شکل‌گیری ارزش‌ها و گرایش‌ها و تمایلات می‌گردد و این گرایش‌ها، خود موجب بروز نوع خاصی از رفتار و شکل‌گیری سبک‌های زندگی می‌شود.

دین و سبک زندگی

بنیان الگوهای موجود در سبک زندگی را، همان شالوده فرهنگ و شاخص‌های آن تشکیل می‌دهد؛ زیرا فرهنگ به عنوان مجموعه در هم تنیده و رو به تکاملی از ویژگی‌های خاص زندگی اجتماعی انسان، هم شامل ارزش‌های مورد توجه اعضای یک جامعه یا گروه معین و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، می‌شود، و هم کالاهای مادی که اعضای جامعه تولید می‌کنند و نیز رفتار آدمی در چگونگی بهره‌برداری از آنها را دربرمی‌گیرد. بر این اساس، می‌توان گفت فرهنگ با سبک زندگی هم‌پوشانی دارد و در واقع، سبک زندگی، بخشی از فرهنگ یا لایه آشکار آن را تشکیل می‌دهد.

خود فرهنگ نیز از عوامل متعددی اثر می‌پذیرد که مهم‌ترین آن، دین و آموزه‌های وحیانی است. دین به مثابه نوعی هدایت الهی که ابزار سرپرستی سعادت بشر در تمام شئون فردی، اجتماعی و تاریخی به‌شمار می‌آید، دگرگونی و آثار ژرف و گسترده‌ای در اندیشه و روح انسان‌ها پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها، رفتارها و کنش‌های انسان را دربرمی‌گیرد، استعدادهای درونی و فطری بشر شکوفا و هدایت می‌شود و در مسیری خاص به تکامل می‌رسد. در واقع، محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، باور به تکامل فرهنگ بشری و سهیم بودن اراده انسان‌ها در آن، و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های وحیانی آن، می‌تواند منشأ شکل‌گیری فرهنگ باشد. پس در رابطه‌ای طولی می‌توان گفت دین، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و فرهنگ نیز، نظام معنایی خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند که سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاص برای زندگی است و یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد.

بر اساس این مدل، سرمایه فرهنگی برآمده از جهان‌بینی توحیدی، در کنار نمادهای آیینی و شعائر دینی، می‌تواند مجموعه پیروان یک دین را به‌صورت منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، و نیز سلاقی و ترجیحات برآمده از آن یاری دهد. البته این موضوع، خود می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای خاصی برای زندگی بینجامد و انواعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد. بدین ترتیب، اگر بخواهیم وجوه گوناگون سبک زندگی را مطالعه و بررسی، و وضعیت هنجاری و شایسته آن را از آموزه‌های اسلامی استنتاج کنیم، باید به بررسی ابعاد متعدد و متنوع سبک زندگی، در سه دسته کلی بینش، گرایش و کنش بپردازیم.

بر این اساس، در بخش بینش، به مجموعه‌ای نظام‌مند از باورها که هویت انسان بر اساس آن تعریف و ترسیم می‌شود، و نمادهای عینی و رفتاری سبک زندگی انسان مسلمان و جامعه اسلامی نیز با تکیه بر همین هویت، ظهور و بروز می‌یابد، پرداخته می‌شود. در بخش گرایش نیز ارزش‌ها و هنجارهایی که سلیقه و توانایی ترجیح افراد و گروه‌های اجتماعی را جهت‌دهی می‌کنند، بررسی خواهد شد. در بخش کنش هم، می‌توان به الگوها و شیوه‌های رفتاری برگرفته از آموزه‌های اسلامی اشاره کرد. مجموعه این موارد در بخش‌های سه گانه می‌تواند نمایی کلی از سبک زندگی اسلامی ارائه دهد.

درون‌مایه‌های اسلامی برای سبک زندگی

الف) بینش: در مقام بررسی سبک زندگی اسلامی بر اساس مدل یادشده، ابتدا باید چارچوب نظام معنایی دین اسلام را تبیین کنیم. در این راستا، باید به مهم‌ترین عناصر و شاخص‌های بینشی و نگرشی مرتبط با موضوع سبک زندگی اشاره نماییم. در فرهنگ اسلامی، بر اساس این مبنا که انسان ترکیبی از دو بعد جسمانی و روحانی است، و بعد روحانی او اصالت الهی دارد^۱، عنوان انسان حقیقی به کسی اطلاق می‌شود که با شکوفایی استعدادهای نهفته در وجود خویشتن، حیات الهی خود را به فعلیت رسانیده (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۰)، و سعادت جاودانی خود را پی‌گیرد. برای تأمین این هدف، انسان در ابعاد بینشی، گرایشی و توانشی خود، از عناصری سرشتی برخوردار است که گزینش و تصمیم‌گیری آگاهانه او، جهت‌گیری بسیاری از آنها را مشخص می‌کند (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). ارسال پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی نیز همگی در راستای فعال ساختن همین فطرت الهی^۲، و بهره‌گیری درست آدمی از مجموعه عناصر سرشتی خود، ارزیابی می‌شود. این حرکت و دگرگونی، می‌تواند بخشی از فرهنگ جامعه انسانی را پدید آورد، و شیوه‌های معین و الگوهای مشخص رفتاری انسان را نیز تعریف و تبیین کند.

همچنین انسان در آموزه‌های اسلامی در مقام جانشین خدا^۳ دارای کرامت ذاتی و تکوینی^۴ معرفی شده، که همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای او تسخیر گردیده^۵ تا در پرتو اعمال اختیاری خود، به نوع دیگری از کرامت برسد که برخاسته از تلاش اوست (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۵۶) و با تکیه بر ارزش‌های والای انسانی و الهی به‌دست می‌آید. بدین ترتیب، انسان باید در چارچوب الگوهای رفتاری برگرفته از آموزه‌های دینی، به آبادانی زمین بپردازد، جامعه خود را ارتقا بخشد، و از این رهگذر، توشه لازم و کافی را برای سعادت اخروی و ابدی خود

۱. «... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ در حقیقت ما از آن خداییم و در واقع ما فقط به‌سوی او بازمی‌گردیم». (بقره: ۱۵۶)
۲. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ...؛ در حالی که به حق روی می‌آوری، به طور کامل هم‌سوی دین باش؛ با سرشت خدایی که مردم را بر آن سرشته همگام باش. آفرینش الهی تغییرناپذیر است» (روم: ۳۰).
۳. «قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ پروردگارت به فرشتگان فرمود: در حقیقت من در زمین جانشینی قرار می‌دهم» (بقره: ۳۰).

۴. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به یقین فرزندان آدم را گرامی داشتیم ... و ایشان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم کاملاً برتری دادیم» (اسراء: ۷۰).

۵. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...؛ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید» (بقره: ۲۹).
«لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...؛ آیا نظر نکرداید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخر شما ساخت؟» (لقمان: ۲۰).

گردآوری کند. روشن است که انسان برای رسیدن به این کرامت اکتسابی، از اختیار و آزادی لازم برخوردار است و می‌تواند از میان راه‌ها و کارهای گوناگون و متعددی که پیش روی او قرار می‌گیرد، با بررسی و سنجش، بهترین‌ها را برگزیند و با تصمیم و اختیار خود، در راه نیک یا بد گام بردارد^۱ و سرنوشت خود را رقم زند.

در زمینه معنای زندگی نیز، اسلام در جهان‌بینی خود و تفسیری که از جهان ارائه می‌دهد، به انسان می‌آموزد که از یک‌سو، هستی وی کاملاً وابسته به خداوند است، و از سوی دیگر، زندگی او منحصر به زندگی دنیا نیست. بر این اساس، زندگی دنیا، وسیله و مقدمه رسیدن به سعادت اخروی به شمار آمده که باید از آن درست بهره‌برداری کرد. در این بینش ساختاری، ارتباط حوزه‌های گوناگون زندگی انسان با یکدیگر به خوبی ترسیم شده و گذشته، حال و آینده انسان؛ ساحت‌های جسم و جان؛ مادی و معنوی؛ بینش، گرایش و کنش وی؛ و ارتباط آنها و تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری، مورد توجه دقیق قرار گرفته است.

ب) گرایش: در حوزه ارزش‌ها و گرایش‌ها، توجه به این نکته ضروری است که از نظر آموزه‌های اسلامی، منشأ مطلوبیت و ارزش هر چیز، به میزان نقش و اثرگذاری آن در تأمین سعادت و کمال انسان بازمی‌گردد. بر این اساس، «آزادی» به عنوان ارزشی که انسان را در رسیدن به کمال مطلوب یاری می‌کند، باید در چگونگی و نوع بهره‌وری ارزیابی شود. به همین دلیل، ارزش آزادی در اسلام، به هدف و مقصد آن بستگی دارد؛ یعنی تا جایی که در مسیر سعادت انسان و موجب تعالی فرهنگی، آموزشی و پرورشی جامعه باشد، امری ارزشمند به شمار می‌رود. «برابری» انسان‌ها نیز بر اساس کرامت ذاتی انسان، مورد تأکید اسلام است و ملاک برتری انسان‌ها بر اساس رشد و ارتقای ایمان و تقوای هر فرد تعیین می‌شود.^۲ توجه به مفهوم ارزشی «عدالت» نیز از آن نظر مورد تأیید و تأکید آموزه‌های اسلام است که با تنظیم ارتباط افراد و اعضای جامعه، به تکامل مجموعی آنان یاری می‌رساند.

در چارچوب رویکرد اسلام به ارزش‌های یادشده، انتظار می‌رود گرایش‌های موجود در جامعه

۱. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ در واقع ما او را به راه (راست) راهنمایی کردیم، در حالی که یا سپاس‌گزار است یا بسیار ناسپاس (انسان: ۳).

۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ...؛ ای مردم، واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پارساترین شماست (حجرات: ۱۳).

اسلامی، سمت و سوی خاصی یابد و شهروندان جامعه اسلامی به مسائل ویژه‌ای اهتمام ورزند. به همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی، «خردورزی» اهمیت فراوانی دارد؛ تا جایی که ایمان نیز زمانی پذیرفتنی دانسته شده که همراه با تفکر و تعقل باشد؛ زیرا در پرتو خردورزی است که ایمان و عمل انسان‌ها از انحراف‌ها و تثبیت به خرافه‌ها در امان خواهد ماند و سبک زندگی مطلوب دین در جامعه رواج می‌یابد. موضوع «گروه‌های مرجع»^۱ نیز هرچند نتیجه نوع ارزش‌های حاکم بر جامعه به‌شمار می‌رود، واقعیت آن است که خود به طور مستقل نیز می‌تواند به عنوان یک ارزش یا هنجار حاکم بر جامعه، خاستگاه سلیقه و ترجیحات بسیاری باشد. با توجه به اینکه گروه‌های مرجع، نقش مؤثری در فرآیند جامعه‌پذیری برعهده دارند و می‌توانند سمت و سوی رفتارها را تعیین کنند، در آموزه‌های اسلامی نیز با موارد بسیاری رو به رو می‌شویم که تلاش شده با معرفی الگوهای مناسب، هنجارهای جاهلی موجود در جامعه اصلاح شود، و مسلمانان با الگوگیری از این افراد و گروه‌ها، در باورها و رفتار خود، دگرگونی‌های اساسی پدید آورند. به تصریح قرآن کریم، برترین و کامل‌ترین اسوه در جامعه اسلامی، شخص پیامبر گرامی اسلام است^۲ که در همه زمینه‌ها می‌تواند الگوی تمام انسان‌ها باشد. شاید به همین دلیل است که سیره‌نویسی و ثبت دقیق کنش‌ها و رفتار آن حضرت، در طول تاریخ مورد توجه و علاقه شدید مسلمانان بوده است. قرآن کریم افزون بر معرفی پیامبر به عنوان اسوه حسنه، به معرفی بسیاری از پیامبران (مریم: ۴۱؛ ممتحنه: ۴) و انسان‌هایی (مریم: ۱۶؛ لقمان: ۱۲) می‌پردازد که سرآمد جامعه بشری به‌شمار می‌آمدند و می‌توانند الگویی مناسب برای جامعه اسلامی باشند تا مسلمانان، گرایش‌ها و کنش‌های خود را به سطح گرایش و کنش این بزرگان جامعه انسانی نزدیک سازند.

ج) کنش: بر اساس آنچه در حوزه بینش و گرایش مطرح کردیم، می‌توان الگوهای پیشنهادی و توصیه‌ای برگرفته از آموزه‌های اسلامی را، برای عینی‌ترین سطوح زندگی

۱. «گروه‌های مرجع» در اصطلاح جامعه‌شناسی، به مجموعه‌های انسانی برخوردار از ویژگی‌های خاص از نظر پایگاه، هنجار و نقش اطلاق می‌شود که افراد برای دآوری یا ارزیابی خود، آنها را به‌عنوان معیار و میزان مورد توجه قرار داده (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۳۸) و بر اساس آن، بینش، گرایش و کنش خود را شکل می‌دهند. القای هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورها از یک‌سو، و ارائه معیار برای ارزیابی کنش و نگرش از سوی دیگر، دو کارکرد اصلی گروه‌های مرجع است (صدیق سروسنتی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ به‌یقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست؛ برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند (احزاب: ۲۱).

اجتماعی، یعنی رفتار و کنش افراد و گروه‌ها مورد بررسی قرار داد. هرچند بر اساس روش متداول و کلاسیک در جامعه‌شناسی، این رفتارها را می‌توان در چهار گروه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی کرد، هم‌پوشانی این حوزه‌ها و همچنین نگاه جامع و نظام‌مند اسلام به رفتارها و روابط فردی و اجتماعی، تفکیک کامل این حوزه‌های چهارگانه را دشوار می‌کند. بنابراین، ما در نوشتار حاضر، تنها به ذکر برخی از موارد، ذیل عنوان مستقل الگوهای اسلامی برای سبک زندگی بسنده می‌کنیم و ملاک‌گزینش این موارد اندک نیز شدت ارتباط آنها با گستره مفهومی سبک زندگی است. در این راستا، دو مورد اعتدال و خرافه‌ستیزی را به دلیل صبغه فرهنگی آنها و به عنوان عقبه معرفتی ذکر می‌کنیم؛ و الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای کار و تولید، و سبک زندگی در خانه و خانواده را نیز به دلیل تمرکز بیشتر اندیشمندان سبک زندگی بر این مباحث، بررسی خواهیم کرد.

الگوهای اسلامی برای سبک زندگی

۱. اعتدال: که به معنای میانه‌روی و عدم انحراف به سوی افراط یا تفریط است، در تشریح احکام فردی و اجتماعی اسلام کاملاً مورد توجه بوده و بر همین اساس، قرآن کریم، امت اسلام را امت میانه و وسط نامیده است (بقره: ۱۴۳). در فرهنگ اسلامی، نظام هستی بر بنیان عدالت و اعتدال نهاده شده و انسان کامل نیز معتدل‌ترین شخصیت در همه حوزه‌هاست. از این رو، مطالبه دین از تمام انسان‌ها آن است که میانه‌روی را در زندگی پیشه کنند و هرگز به افراط و تفریط گرایش نداشته باشند. یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با اعتدال در آموزه‌های اسلامی، توجه به رابطه میان دنیا و آخرت است. اسلام، زندگی دنیایی را مرحله و بخشی از مسیر تکاملی انسان می‌داند که می‌توان از فرصت حضور در آن، برای ادامه راه تکامل، توشه برگرفت (سیدرضی، ۱۳۷۰: حکمت ۱۳۱). بنابراین، اگر مجموعه احکام اسلامی به عنوان یک نظام مورد توجه قرار گیرد، دنیای ما نیز به عنوان حلقه‌ای از حلقه‌های نیل به کمال و سعادت، تأمین می‌گردد و دیگر منافاتی میان تلاش در دنیا و آخرت‌گرایی وجود نخواهد داشت. از صادق آل محمد علیه السلام نقل شده است که فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛ کسی که دنیای خود را برای آخرت ترک کند، یا آخرت خویش را برای دنیا نادیده بگیرد، از ما نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۷: ح ۲۲۰۲۵: ۷۶).

از دیدگاه اسلام، میانه‌روی، قلمرو وسیعی دارد و در جزئی‌ترین موضوعات تا مهم‌ترین مسائل فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان اصلی خلل‌ناپذیر مطرح می‌شود. این نوشتار، برخی از این موارد، مانند الگوی مصرف و اوقات فراغت را، به دلیل تناظر موضوعات آن با مهم‌ترین عناصر مفهوم سبک زندگی، به صورت خاص و در مباحث جداگانه‌ای مطرح کرده است، ولی اگر بخواهیم بعضی دیگر از جنبه‌های میانه‌روی را در خصوص الگوهای مناسب برای سبک زندگی اسلامی بازخوانی کنیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) اعتدال در عبادت: پیامبر گرامی اسلام در زمینه اعتدال در عبادت می‌فرماید: «دین اسلام محکم و متین است؛ پس با ملایمت در آن درآیید و عبادت خدا را بر بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید؛ و گرنه، مانند سوارکاری خواهید بود که در اثر تندروی، نه به مقصد رسیده و نه مرکبی باقی گذاشته است» (همان، ج ۱، ص ۱۰۹).

(ب) اعتدال در گفتار: سخن و بیان اگرچه از نعمت‌های بزرگ الهی و مایه امتیاز انسان از موجودات دیگر است (الرحمن: ۴)، اگر از حد اعتدال خارج شود، به جای نعمت، نعمت خواهد شد؛ زیرا به صورت معمول، کسی که بسیار سخن می‌گوید، میزان خطا و اشتباهش نیز بسیار افزایش خواهد یافت (سیدرضی، ۱۳۷۰: حکمت ۳۴۹). بنابراین، سخن باید عاقلانه، حکیمانه، سنجیده و به دور از افراط و تفریط باشد تا انسان در گرداب زیان‌های اخلاقی و اجتماعی آن گرفتار نشود.

(ج) اعتدال در خوراک: امام رضا (ع) می‌فرماید: «بدان که بدن انسان همانند زمین پاکیزه‌ای است که برای آباد کردن آن، اگر اعتدال رعایت گردد و آب به مقدار لازم به آن داده شود، نه آن اندازه زیاد که زمین زیر آب غرق گردد و نه آن اندازه کم که تشنه بماند، چنان زمینی آباد می‌شود و محصول فراوانی می‌دهد؛ ولی اگر از رسیدگی درست غفلت شود، آن زمین فاسد و تباه می‌گردد. بدن انسان نیز چنین است. با توجه و مراقبت در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، بدن سلامت و صحت می‌یابد و نعمت و عافیت را به دست می‌آورد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۹: ۳۱۰).

(د) اعتدال در پاسخ‌گویی به غریزه جنسی: اسلام با تأکید بر الگوی ازدواج و نهی از شهوت‌رانی و فساد جنسی، ارضای غریزه جنسی را در محدوده‌ای معتدل توصیه کرده است.^۱

۱. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ يُفْرُوهُمْ حَافِظُونَ - إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلْمِئِينَ؛

پیامبر گرامی اسلام، به عنوان بزرگ‌ترین الگوی رفتاری مورد نظر این دین آسمانی، ازدواج را سنت و شیوه خود برشمرده و ارتباط و وابستگی ایمانی خود را با کسانی که از این سنت پیروی نمی‌کنند، رد کرده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰: صص ۱۳ - ۲۱). از سوی دیگر و با وجود تأکید بسیاری که اسلام بر ازدواج دارد، از آزادی جنسی و رضای افراطی غریزه جنسی نهی فرموده و درباره پی‌آمد آن هشدار داده است (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۶۹۳۳: ۳۰۴).

ه) اعتدال در مناسبات اجتماعی: اگرچه مقوله‌ای مانند اعتماد متقابل، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (فصیحی، ۱۳۸۶: ۷۹) به‌شمار می‌رود و تقویت آن، موجب افزایش عملکرد افراد در جامعه می‌گردد، انسان مسلمان در روابط دوستی و دشمنی خود، باید میانه‌رو باشد و جانب احتیاط و اعتدال را رعایت کند و نباید با زیاده‌روی در روابط دوستانه، از دایره عقل و خرد خارج شود (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۳۳). امام پرهیزگاران علی‌علیه‌السلام در عبارتی بسیار زیبا، این نکته را چنین یادآور شده است: «با دوست خود در حد اعتدال رفاقت کن؛ زیرا ممکن است آن دوست، روزی دشمن تو گردد. و در دشمنی خود نیز معتدل باش؛ زیرا ممکن است همان دشمن، روزی دوست تو شود» (سیدرضی، ۱۳۷۰: حکمت ۲۶۸: ۴۱۰).

۲. خرافه ستیزی: تقلید کورکورانه از آیین‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی، و گرایش به خرافه، از عواملی است که از سهم و نقش آدمی در زندگی خود می‌کاهد. شیوع اجتماعی این رویکرد، به حاکمیت دیدگاه جبرگرا در جامعه می‌انجامد که بر اساس آن، آدمی آنچه را به عهده او نهاده شده، به «دیگرانی در ورای زمین و زمان احاله می‌دهد» (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۳۳). به عبارت دیگر، حاکمیت چنین رویکردی، موجب سلطه تفکر جبرمحور به‌جای اندیشه کارمحور می‌شود و انگیزه‌های لازم را برای کسب موفقیت در نهاد انسان‌ها سرکوب می‌کند. رواج فال‌گیری، تکیه بر سحر و جادو در تصمیم‌گیری‌ها، و نیز باور به سعد و نحس زمان‌ها و مکان‌ها، از مصادیق اساسی اشاعه چنین رویکردی است. شکل‌گیری خرافه معمولاً در فهم ناقص انسان‌ها از هستی ریشه دارد. قرآن کریم که کتاب زندگی و سعادت و کمال بشر به‌شمار می‌رود، همواره در آیات خود با تأکید بر تفکر و تدبر و تعلم، به مبارزه با اندیشه‌های خرافی و پیروی ناروا از گذشتگان پرداخته است (بقره: ۱۷۰).

مؤمنان رستگار شدند؛ ... و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها با همسران و کنیزان‌شان آمیزش جنسی دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند» (مؤمنون ۶-۱).

حق آن است که باید به آداب و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی گذشتگان، با تحلیل و بررسی خردمندانه توجه کرد و آنچه را با عقل و خرد سازگار است، برگرفت و چیزی را که در گذر زمان به خرافه و امر موهوم تبدیل شده، کنار گذاشت. سنت نبوی نیز به عنوان یکی از منابع آموزه‌های اسلامی، سرشار از خرافه‌ستیزی است. در همین راستا، می‌توان به ماجرای هم‌زمانی مرگ فرزند دو ساله پیامبر اسلام و گرفتن خورشید در آن روز اشاره کرد. مردمی که دل‌باخته آن حضرت بودند و از علت طبیعی گرفتگی خورشید آگاهی نداشتند، وقتی که از یک‌سو رحلت فرزند پیامبر، و از سوی دیگر، اندوه ایشان را می‌بینند، با تکیه بر دیدگاهی خرافی، چنین تصور می‌کنند که آسمان و کائنات نیز در این غم با رسول خدا ﷺ هم‌نواپی کرده و در نتیجه، خورشید گرفته است. این شایعه، دهان به دهان در تمام مدینه پیچید، ولی پیامبر اسلام بی‌درنگ این باور خرافی را از ذهن پیروان خود زدود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲: ۱۵۵ - ۱۵۶). در آموزه‌های اسلام تأکید گردیده که برای هر پدیده، سبب و علتی خاص قرار داده شده، تا ما دست به دامان شانس و اتفاق، و خرافه‌هایی از این دست نشویم. صادق آل محمد ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْزَى الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا، وَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا ... (کلینی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۲۰۵)

خداوند متعال، خودداری فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد. پس برای هر چیزی سبب و وسیله‌ای قرار داد ...

۳. **شیوه گذران اوقات فراغت:** از مسائلی است که با دگرگونی نظام اجتماعی در دوران گسترش صنعت و سازمان‌یافتگی بیشتر اشتغال، اهمیت یافته است (دفت‌جاء، ۱۳۹۰: ۱۵۲). در فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون، برداشت‌های متفاوتی از مفهوم فراغت وجود دارد. برخی با اتخاذ رویکردی منفعلانه، فراغت را به معنای وقتی آزاد برای استراحت یا تفریح در نظر می‌گیرند، ولی جمعی دیگر با نگاه فعالانه به این مقوله، آن را زمانی مناسب برای شکوفایی استعدادهای خود و تقویت دیگر ابعاد وجودی خویش به‌شمار می‌آورند. ویژگی مشترک تمامی این برداشت‌ها، جدا انگاشتن فراغت از فعالیت‌های اجباری متداول و روزانه است. بر این اساس، می‌توان اوقات فراغت را به مجموعه‌ای از زمان‌ها برای تفریح یا توسعه توانایی‌های فردی در طول زندگی تعریف کرد که افراد با دور شدن از ضرورت‌های شغلی،

خانوادگی و اجتماعی، برای تأمین رضایت خاطر خود برمی‌گزینند. الگوهای گذران اوقات فراغت، بخشی از ساز و کار تمایز اجتماعی و بازنمایی هویت فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود (ربانی و شیر، ۱۳۸۸: ۲۱۰). بر این اساس، افرادی که در نگاه به زندگی، از یک خاستگاه مشترک فرهنگی برخوردار هستند، شیوه‌ها و الگوهای معین و مشترکی را نیز برای گذران اوقات فراغت خود برمی‌گزینند. اگر آموزه‌های دینی در جامعه‌ای بنیان ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تشکیل داده باشد، به طور طبیعی بر گرایش‌ها و سلیقه‌های افراد نیز اثرگذار خواهد بود. اجتماعی هم که گرایش و سلیقه آن، در چارچوب آموزه‌های دینی تعریف شده باشد، نوع الگوهایی که برای گذران اوقات فراغت برمی‌گزیند، به‌گونه‌ای خواهد بود که از این چارچوب خارج نشود.

در همین راستا، نخستین موضوعی که درباره دیدگاه اسلام در خصوص اوقات فراغت باید بدان توجه کرد، معنا و مفهوم اوقات فراغت در فرهنگ اسلامی است؛ زیرا درک و برداشتی که از این مفهوم صورت می‌گیرد، اثر قابل توجهی در اتخاذ الگوها و چگونگی گذران آن خواهد داشت. در فرهنگ اسلامی، برای انسان به عنوان موجودی مسئولیت‌پذیر که باید در چارچوب نظام معنایی توحیدی برای لحظه لحظه نعمت عمر خود پاسخ‌گو باشد، هیچ زمانی فارغ از حرکت در مسیر تکاملی او وجود ندارد. از صادق آل محمد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

هر کس دو روز از عمرش مساوی باشد، مغبون است؛ و اگر فردایش از امروزش بدتر باشد، دچار فتنه و هلاکت شده؛ و اگر متوجه پیشرفت یا زیان خود نباشد، بی‌گمان در حال انحطاط و عقب‌افتادن است؛ و چنین کسی مرگ برایش سودمندتر خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸: ۱۷۳).

امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، یکی از ویژگی‌های مؤمن را فعالیت همیشگی او شمرده (آمدی، ۱۳۶۶: ۹۱) و از دست دادن فرصت‌ها را موجب غصه و ناراحتی دانسته است (همان: ۴۷۳). همچنین از آن حضرت نقل شده که دنیا برای آزمایش است و هر کس ساعتی در آن دست از کار بکشد، همین ساعت بی‌کاری، موجب حسرت و پشیمانی او در قیامت خواهد شد (سیدرضی، ۱۳۷۰: نامه ۵۹). چرا چنین نباشد، در حالی که فرصت‌ها به سرعت می‌گذرد، و بزرگ‌ترین زیان برای فرد و جامعه، از دست دادن فرصت‌ها و عدم استفاده شایسته و لازم از آن است.

بدین ترتیب، می‌توان دریافت که گذران اوقات فراغت به شکل هدف‌مند و برنامه‌ریزی شده، از توصیه‌ها و مطالبات دین اسلام به‌شمار می‌رود. در آموزه‌های اسلامی، فراغت، از بطالت و بیهودگی فاصله بسیاری دارد و قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را، رویگردانی ایشان از لغو و بیهودگی دانسته است (مؤمنون: ۳). تا اینجا روشن شد که از نظر آموزه‌های اسلامی، انسان باید برای لحظه لحظه زندگی خود، به عنوان سرمایه‌ای عظیم، ارزش قائل شود، ولی این سخن بدان معنا نیست که انسان همچون ماشینی مکانیکی همواره و یکنواخت کار کند و بی‌گمان جسم و روان انسان نیازمند استراحت، آرامش، تفریح و تنوع است. در فرهنگ اسلامی، برای این بخش از زندگی نیز چارچوبی در نظر گرفته شده تا انسان از مسیر درست و صراط مستقیم منحرف نشود. امام زین‌العابدین (علیه السلام) در مناجات خود با خدا می‌فرماید: «خدا یا، اگر برای ما فراغتی از کارها مقدر فرموده‌ای، آن را سالم قرار ده که در آن، گناهی ما را در نیابد و خستگی به ما روی نیاورد». (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: دعای ۱۱: ۹۱). امام رضا (علیه السلام) نیز فرموده است:

اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید: بخشی را برای عبادت؛ بخشی را برای کار و فعالیت برای تأمین زندگی؛ بخشی را برای معاشرت و مصاحبت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوب‌تان آگاه سازند؛ و بخشی را به تفریحات و لذت‌های حلال اختصاص دهید، و از مسرت و نشاط ساعت تفریح، می‌توانید انجام وظایف دیگر خود را تأمین کنید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۳۴۶).

۴. **الگوی مصرف:** دگرگونی‌های فرهنگی حاصل از مدرنیته در دهه‌های گذشته، رشد مصرف‌گرایی را در پی داشته است. این پدیده و الگوهایی که فرهنگ هر جامعه برای مصرف ارائه می‌کند، یکی از دلایل اصلی توجه ویژه جامعه‌شناسان به موضوع سبک زندگی به شمار می‌رود. مصرف اگرچه هدف تولید، توزیع و هر فعالیت اقتصادی دیگر است، با تکیه بر فرهنگ هر جامعه، از الگوهای خاصی پیروی می‌کند و این الگوها می‌تواند نقش مؤثری در امکان یا عدم امکان دستیابی آن جامعه به توسعه و پیشرفت داشته باشد. به همین دلیل، اسلام سفارش‌های فراوانی درباره رعایت ارزش‌های اخلاقی، تهذیب نفس و بسنده نکردن به عقلانیت اقتصادی صرف دارد و بر ارزش‌هایی چون ساده‌زیستی، مراعات شأن و آبروی افراد، توجه به نیازمندان، و پرهیز از فخرفروشی و حسادت تأکید می‌کند. از آنجا که مصرف

برای پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و غریزی انسان اجتناب‌ناپذیر است، در اسلام درباره توصیه به مصرف آموزه‌های زیادی وجود ندارد. اما گاه مصرف شکل طبیعی خود را از دست می‌دهد و به جای آنکه چنان پدیده‌ای حیاتی در خدمت انسان باشد، او را به خدمت خود درمی‌آورد. از این رو، بخشی از آیات قرآنی به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش درست مصرف اختصاص یافته است. از دیدگاه اسلام، تأمین رضایت فرد نمی‌تواند تنها انگیزه مصرف باشد و باید رضایت الهی نیز مورد توجه قرار گیرد و افزون بر جنبه دنیوی، جنبه اخروی اعمال نیز لحاظ شود. به همین دلیل، اسلام روحیه مصرف‌گرایی مادی را نفی و کسانی را که در زندگی خود هدفی جز لذت ندارند، با لحنی تند نکوهش کرده است (محمد: ۱۲). نظام اقتصادی اسلام، مسلمانان را تشویق می‌کند انگیزه مصرف خود را برای آنچه آفریده شده‌اند، اصلاح کنند و آن را وسیله کمال خود قرار دهند. الگوهای مصرفی که آموزه‌های اسلامی آن را تأیید و از آن دفاع می‌کند، دارای ویژگی‌های زیر است:

(الف) توجه به نیازهای حقیقی: اساس مصرف، بر پایه نیازهای حقیقی و طبیعی انسان استوار است، و اگر از آن فراتر رود، آدمی دچار مصرف‌زدگی و انواع اسراف می‌گردد؛ به همین دلیل، آموزه‌های اسلام بر تأمین نیازهای مادی آدمی در حد متعارف تأکید کرده و او را از مصرف بیهوده و کاذب نهی می‌کند.

(ب) میانه‌روی: امام علی علیه السلام میانه‌روی در هزینه‌های زندگی را، شیوه اهل بیت (علیهم السلام) و مؤمنان، الهام و خیری از سوی خدا برای بندگان، موجب سلامت و خوش‌بختی، و مقدمه بی‌نیازی معرفی کرده است (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۳ - ۳۵۴).

(ج) هماهنگی نسبی با وضعیت عمومی جامعه: امام صادق علیه السلام فرموده است: «حق مسلمان بر برادر دینی‌اش آن است که اگر برادرش گرسنه باشد، سیر نخورد؛ و اگر برادرش تشنه است، سیراب نشود؛ و هرگاه برادرش جامه ندارد، جامه زیادی نپوشد.» (حکیمی، ۱۳۷۷: ج ۵: ۱۴۱).

(د) رعایت حلال و حرام: قرآن کریم در مقام ستایش پیروان پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ ... يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ: کسانی که از آن پیامبر پیروی کنند ... بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند» (اعراف: ۱۵۷).

(هـ) پرهیز از تجمل‌گرایی: هنگامی که اشراف مکه شرط ایمان و همراهی با پیامبر اسلام

را فاصله گرفتن او از ضعف و فقر و انتخاب یک زندگی اشرافی دانستند، قرآن کریم این نوع زندگی را از موانع پذیرش حق و بهره‌مندی از هدایت الهی برشمرد.^۱

۵. توجه به کار و تولید: بر اساس آموزه‌های آسمانی اسلام، انسان همواره باید در عرصه‌های گوناگون زندگی، که تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی بخشی از آن است (نبا: ۱۱؛ ملک: ۱۵؛ نحل: ۱۴)، به صورت جدی و مستمر کوشش کند، تا در پرتو چنین تلاشی، جامعه نیز به اهداف عالی خود برسد. اسلام بر عامل کار در چارچوب توسعه اقتصادی، بسیار تأکید می‌کند و در فرهنگ اسلامی، کار به ویژه در فعالیت‌های تولیدی، و به طور خاص در کشاورزی، دام‌پروری و صنعت، جایگاهی والا دارد؛ تا آنجا که پیامبر گرامی اسلام دست کارگری را گرفت و بر آن بوسه زد و فرمود: «هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ أَبَدًا؛ این دستی است که هرگز آتش به آن نمی‌رسد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲؛ ج: ۱؛ ۱۷).

پیامبران بزرگ خدا نیز بر اساس بینش الهی خود، کار را نوعی عبادت به‌شمار می‌آوردند و خود، پیشگامان تلاش‌های تولیدی بودند. آنان با گفتار و کردار خود، جامعه را از تنبلی، سستی و مسئولیت‌گریزی برحذر می‌داشتند و همواره تأکید می‌کردند که خداوند کار را در نظام آفرینش، وسیله‌ای برای تأمین نیازهای اقتصادی جامعه قرار داده و این مسئله، چنان جایگاهی دارد که حتی دعا نیز بدون آن سودی نخواهد داشت (همان، ج: ۱؛ ۱۸). این اهمیت به دلیل آن است که استقلال اقتصادی و رشد اقتصاد جامعه، در گرو رویکرد آن جامعه نسبت به پدیده کار است.

۶. سبک زندگی اسلامی در خانه و خانواده نیز از الگوهای بسیار مترقی و فاخری بهره‌مند است. خانواده که از نگاه جامعه‌شناسان، نخستین و مهم‌ترین «نهاده» اجتماعی به‌شمار می‌رود، پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری انسان را در دیگر حوزه‌ها و نهادها شکل می‌دهد. به همین دلیل، اسلام به منظور سالم‌سازی جوامع بزرگ‌تر انسانی، اهتمام ویژه‌ای به سلامت نهاد خانواده دارد. خانواده، مهم‌ترین جایی است که در آن باورهای دینی، ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسلی منتقل می‌شود. از طریق خانواده است که نسل بعدی

۱. «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا؛ با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برنگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است». (کهف: ۲۸)

با دنیای بیرونی آشنا می‌شود، چگونگی معاشرت و روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزد، و راه و رسم زندگی، اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی را فرامی‌گیرد. پاک‌سازی محیط خانواده و جامعه از آلودگی‌ها، تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده، تبیین روابط سالم و سازنده میان همسران و دیگر اعضای خانواده، و تأکید ویژه بر تربیت فرزندان، از جمله برنامه‌هایی است که اسلام برای حفاظت از کانون مقدس خانواده بدان توجه قرار کرده است.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، لازم است ارزش‌های خاصی برای انتخاب شریک زندگی رعایت شود که بی‌توجهی به آن، می‌تواند آینده زندگی زناشویی را با خطر مواجه سازد یا کارآمدی لازم را از آن بستاند. اصالت خانوادگی، اخلاق، دین‌داری، کفویت، محبت و علاقه، و انتخابی بودن، از شاخص‌های همسرگزینی دانسته شده، از انتخاب همسر با معیارهای صرفاً مادی و ظاهری به شدت نهی گردیده است. همچنین در اسلام، اهمیت بسیار زیادی به استحکام خانواده داده شده؛ زیرا استحکام خانواده، از مهم‌ترین عوامل استحکام اجتماع است.

بر خلاف دیدگاهی که مهریه‌های سنگین، جهیزیه‌های مجلل و بهره‌مندی از امکانات گسترده مادی را عامل بقا و پایداری خانواده می‌پندارد، از نظر اسلام، مهم‌ترین ارکان استحکام خانواده «مودت» و «رحمت» میان زن و مرد است.^۱ «مودت» یعنی دوستی عاقلانه و نه دوستی غریزی، و «رحمت» یعنی گذشت مهربانانه از لغزش‌ها و کوتاهی‌های یکدیگر. با این تعریف، اگر خانواده بر پایه مودت شکل گرفته باشد، اختلافات نیز بر پایه «رحمت» رفع خواهد شد، و دوستی و محبت در گذر زمان کم‌فروغ نمی‌گردد. به همین دلیل، اسلام بر حفظ و تقویت روابط عاطفی میان اعضای خانواده و هم‌دلی و مدارای میان آنان تأکید ویژه دارد. یکی از شاخص‌های سبک زندگی اسلامی در محیط خانواده، اصالت دادن به عواطف متقابل میان همسران و به طور کلی، همه اعضای خانواده با یکدیگر است. خانواده اسلامی، خانواده‌ای است که محل امنیت، آرامش و سکون است و اضطراب، تشویش و بی‌اعتمادی در آن جایی ندارد. محبت به فرزندان، انس با والدین و احسان به آنان، و نیز تلاش برای تأمین معاش خانواده، از مهم‌ترین الگوهای سبک زندگی اسلامی در خانه و خانواده است.

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از نشانه‌های او، آن است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱)

نقش رسانه در ترویج الگوهای زندگی دینی

بر خلاف رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسان که تنها به توصیف یا فهم سبک زندگی جاری افراد بسنده می‌کنند، می‌توان فراتر از توصیف گام نهاد و با تکیه بر اصول ثابتی که به باور ما در آموزه‌های اسلامی وجود دارد، چارچوبی ارائه کرد که در محدوده آن، به تجویز نیز بپردازیم؛ یعنی با استفاده از ابزارهایی چون رسانه‌های همگانی و با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک یا سبک‌های خاص زندگی، که البته در اینجا نوع دینی آن مورد نظر است، یاری رسانیم.

در این راستا، دو نکته را باید تبیین کنیم: نخست، امکان ایجاد سبک خاصی از زندگی و دوم، توجه دین به اقتضائات عصری جوامع. نکته نخست، با تکیه بر جهت‌دهی به تمایلات فردی و اجتماعی که در مباحث پیشین گفته شد، قابل استفاده است. همان‌گونه که الگودار بودن رفتارها، سبک زندگی را موضوعی قابل تحلیل می‌سازد، همین ویژگی می‌تواند سبک زندگی را قابل پیش‌بینی کند؛ زیرا سبک زندگی از مسیری که جامعه در فرایند حرکت به‌سوی آینده می‌پیماید، اثر می‌گیرد و داشتن تصویری واقع‌بینانه از شرایط آینده، راهی برای شناخت مسیر احتمالی حرکت جامعه خواهد بود که مردم پیمودن آن را مطلوب می‌پندارند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۸۰). آموزه‌های دینی ما نیز سرشار از توجه به آینده و تشویق انسان به آن است؛ به ویژه آنکه در نظام معنایی توحیدی، زندگی دنیا و سبک‌ها و الگوهای در پیش گرفته شده، کاملاً در طول زندگی جاودان و اخروی انسان بوده و بر آن اثرگذار است. به همین دلیل، انسان مسلمان در آینده‌نگری خود، افزون بر پی‌آمد نزدیک و دنیایی کنش‌ها، به آثار وعواقب ماندگار و اخروی رفتار و سبک زندگی خویش نیز توجه می‌کند. توصیه به تدبیر، دعا برای حسن عاقبت، اجل داشتن هر چیز، پاداش دنیوی برخی از رفتارها نظیر صله رحم، عقیاب دنیوی برخی گناهان، به ویژه گناهی که صیغه اجتماعی دارند، اندیشیدن درباره سرانجام کارها، حبط اعمال، وزر اعمال و ... از مواردی است که در آیات نورانی قرآن و جوامع روایی اسلام مورد توجه قرار گرفته است و توصیه به آینده‌نگری را می‌توان از آنها استنباط کرد.

درباره نکته دوم نیز با تکیه بر اموری چون فرآیندی بودن شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی، و تأکید اسلام بر اختیار و نقش انسان‌ها و جوامع در روند شکل‌گیری جامعه مطلوب، می‌توان گفت جامعه مطلوب اسلامی، مراتب تشکیکی دارد و در هر عصر با توجه به اقتضائات

زمانی و مکانی، برخی از ویژگی‌های مورد نظر اسلام درباره جامعه مطلوب قابل تحقق است، ولی مهم آن است که جامعه اسلامی همواره بکوشد حرکتش، حرکتی تکاملی و رو به رشد باشد. در همین راستا، یکی از اقتضائات یاد شده، دانش و امکانات علمی است که در هر عصری وجود دارد یا پدید می‌آید و بی‌گمان در عصر حاضر، رسانه از نقش و اهمیت فزاینده‌ای در شکل‌گیری الگوهای رفتاری متناسب با مطالبات دینی برخوردار است.

این رویکرد، دقیقاً همان شیوه‌ای است که مورد تأیید آموزه‌های دینی بود و از سوی پیامبران الهی پی‌گیری می‌شد. اگر به سیره پیامبر گرامی اسلام توجه کنیم، می‌بینیم آن حضرت در زمینه و محیطی مبعوث می‌شود که مردمان به زندگی روزمره و عرفی خود مشغول‌اند و به شیوه‌های گوناگون به نیازهای طبیعی خویش پاسخ می‌دهند و به کسب و کار، تجارت، مبارزه، آموزش و زناشویی می‌پردازند. اما به دلیل آنکه وضعیت زندگی مردم و الگوهای انتخابی آنان برای زندگی، با ایده‌آل‌هایی که دین برای زندگی بشر تجویز کرده، متفاوت است، آن حضرت موضعی آسیب‌شناسانه در پیش می‌گیرد و الگوهای نادرست زندگی را به آنها گوشزد و الگوهای جایگزین را معرفی می‌کند. البته ایشان از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش‌های دینی نیز برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می‌گرفت، تا آنها با رضایت خاطر الگوهای سبک زندگی خود را اصلاح کنند.

حال اگر بخواهیم منطق نوشتار حاضر را ادامه دهیم، باید بگوییم پس از تبیین حوزه‌های سه‌گانه بینش، گرایش و کنش که حاصل آن، فراهم گردیدن مجموعه‌ای از معیارها و الگوهای لازم برای پدید آمدن سبک زندگی دینی است، اکنون می‌توان با سنجش وضعیت موجود، راه کارهای نیل به وضعیت مطلوب را با استفاده از ابزار رسانه، بررسی کرد؛ زیرا در میان نهادهای اثرگذار بر فرهنگ عمومی جامعه، می‌توان رسانه‌ها و محصولات رسانه‌ای را، دارای مهم‌ترین نقش در فرآیند شکل‌گیری سبک‌های نوین زندگی، یا تغییر سبک‌های زندگی دانست. امروزه قدرت فرهنگی رسانه، چنان نفوذی دارد که به جرأت می‌توان گفت جوامع برخوردار از ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته‌تر، یا محصولات رسانه‌ای جذاب‌تر، از پیشروی فرهنگی سریع‌تر و موقعیت فرهنگی برتری برخوردار هستند. توجه به این مسئله، اهمیت برنامه‌ریزی فرهنگی و دینی را در مجموعه رسانه‌های همگانی موجود در جامعه اسلامی نشان می‌دهد. البته پیچیدگی و دشواری این برنامه‌ریزی فرهنگی زمانی آشکار می‌شود که

بخواهیم الگوهای مناسب دینی را متناسب با سلیقه افراد جامعه ارائه کنیم. در واقع، هیچ‌گاه نمی‌توان سلیقه‌ای خاص را با توسل به روش‌های قهرآمیز بر کل جامعه تحمیل کرد، و از نظر فرهنگی این کار عملاً امکان‌پذیر نیست، ولی با دقت در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی می‌توان با اصلاح باورها و ارزش‌های اجتماعی، و تثبیت و نهادینه ساختن ارزش‌های دینی در جامعه، مسیر را برای سوق دادن سلیقه افراد و گروه‌های اجتماعی به سوی گزینش اختیاری و ترجیحی الگوهای رفتاری متناسب با آموزه‌ها و مطالبات دینی هموار ساخت.

بر این اساس، در جامعه مطلوب اسلامی، از رسانه همگانی انتظار می‌رود به اندیشه انسان‌ها عمق بخشد و با فعالیت در چارچوب نظام معنایی توحیدی، و تعهد به آموزه‌های دین، به‌گونه‌ای عمل کند که فطرت آدمی را بیدار نگاه دارد. گام مقدماتی برای اتخاذ چنین رویکردی، آشنایی دقیق و درست برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و مجریان رسانه، با روح حاکم بر آموزه‌های اسلامی است. هرگاه این گام مقدماتی محقق گردد، آن‌گاه در چارچوب ترسیم شده از سوی دین و برگرفته از آموزه‌های آن، می‌توان انتظار داشت رسانه در جامعه اسلامی، به نقش محوری و اساسی خود عمل کند و کارکرد مطلوبی داشته باشد. پرداختن کامل به جزئیات چنین رویکردی، عملاً در این نوشتار امکان‌پذیر نیست، ولی از باب نمونه، می‌توان انتظار داشت در صورت تحقق شرایط پیش‌گفته، موارد ذیل در رسانه ملی تحقق یابد:

۱. نگرش‌های اجتماعی در زمینه نقاط تمرکز علاقه‌مندی افراد و گروه‌های اجتماعی، همواره اصلاح و پالایش می‌گردد؛ زیرا مهم‌ترین کارکرد رسانه در جامعه مطلوب دینی، می‌تواند اصلاح رفتار مخاطب در چارچوب آموزه‌های توحیدی باشد. پس اگر وسایل و امکانات رفاهی مانند خودرو، اثاث منزل و دکوراسیون تبلیغ می‌شود، باید به مزیت‌های نسبی در چارچوب فلسفه وجودی آن اشاره شود، نه آنکه تنها بر زیبایی، جدید بودن یا تطبیق آن بر مد روز تأکید گردد. در مرتبه‌ای بالاتر، می‌توان گفت باید به نقش آن در تأمین رفاه حقیقی افراد توجه شود، نه رفاه کاذب و غیرواقعی؛ زیرا در جامعه مطلوب اسلامی، قناعت یک اصل است و بر اساس آموزه‌های اسلام، انسان در موضوعاتی مانند درآمد، ثروت‌اندوزی و برخورداری از امکانات دنیوی، باید همواره به افراد پایین‌تر از خود بنگرد.^۱

۱. از صادق آل محمد (علیه السلام) روایت شده است که «انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَٰلِكَ أَفْغَعَ لَكَ بِمَا قَسِمَ لَكَ وَ آخَرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزَّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ» به کسانی که پایین‌تر از تو هستند و توانایی آنها از شما کمتر است، توجه کنید و به بالاتر از خود هرگز توجه نداشته باشید. اگر چنان کنی، به آنچه در دست داری قناعت

روشن است که در سبک زندگی اسلامی، تبلیغ کالاهای مصرفی نمی‌تواند بی‌توجه به الگوهای مصرف مورد نظر دین، صورت گیرد و متولیان بخش آگهی‌های بازرگانی از رسانه‌های جمعی، باید همواره به جنبه‌های فرهنگ‌ساز هر آگهی در لایه‌های پنهان ذهن مخاطب توجه کنند. یکی از وجوه فرهنگ‌سازی این آگهی‌ها را می‌توان در مسئله مدگرایی مشاهده کرد. زیبایی‌خواهی، تنوع‌طلبی و پیروی از مد، اگرچه در نهاد زیباپسند و فطرت کمال‌جوی انسان ریشه دارد، مدپرستی و صورت‌های افراطی آن، ناشی از جهل و ناآگاهی، ضعف ارزش‌های معنوی، تبلیغات وسیع کمپانی‌های تجاری، روحیه خودباختگی و تقلید کورکورانه از دیگران است و متأسفانه در عصر حاضر، رسانه بیشترین نقش را در این فرآیند ایفا می‌کند.

یکی دیگر از نقاط تمرکز علاقه‌مندی، به ویژه در فیلم‌ها و سریال‌ها، علاقه به جنس مخالف است. متأسفانه مدار و محور بسیاری از برنامه‌های تولیدی رسانه ملی را تأکید بر این علاقه تشکیل می‌دهد، تا جایی که حتی در فیلم‌ها و سریال‌های مذهبی نیز تأکیدی توجیه ناشدنی در این زمینه وجود دارد؛ حال آنکه واقعیت زندگی را نمی‌توان تا این اندازه با علاقه‌مندی به جنس مخالف آمیخته دانست. در آموزه‌های اسلامی نیز بخشی از تأکید بر الگوی ازدواج به دلیل آن است که انسان‌ها با فراغت ذهنی از این مقوله، به دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی خود بپردازند. تبیین درست الگوهای زندگی خانوادگی در رسانه ملی، از ترویج و گسترش الگوهای نامتجانس با فرهنگ و ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه پیش‌گیری خواهد کرد. به نظر می‌رسد بی‌توجهی یا غفلت از الگوهای خانواده دینی و روابط موجود در آن، موجب شده در برنامه‌های رسانه ملی، روابط میان‌فردی در ابعاد گوناگون آن، اعم از رابطه متقابل فرزندان با والدین، رابطه متقابل زوجین، و رابطه با نامحرم، با نوعی تناقض فرهنگی همراه باشد. نگاه و گفت و گو با نامحرم، خلوت با نامحرم، شوخی، آرایش و پوشش نامناسب در برخورد با نامحرم، در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های رسانه ملی، امری متداول، معمول و پذیرفتنی نشان داده می‌شود؛ در حالی که در سبک زندگی اسلامی، علاقه‌مندی به جنس مخالف، توجه به غریزه جنسی، و رابطه با نامحرم، از اموری است که کنترل و مهار شده، مجاری خاصی برای آن تعیین گردیده، و راه‌کارهای مناسبی برای آن تعریف شده است.

۲. رفتارهای مذهبی هم که در رسانه ملی منعکس می‌شود، به دلیل تکیه نکردن بر پشتوانه‌های درست معرفتی، تنها در پوسته و ظاهر باقی مانده است و از اثرگذاری کافی برخوردار نیست. مخاطب دینی، با زیرکی این نقیصه را درمی‌یابد و اثرپذیری چندانی از این گونه برنامه‌ها ندارد. به همین دلیل، شایسته است در تهیه این گروه از برنامه‌ها، دقت و ظرافت بیشتری اعمال شود و تعمق بیشتری صورت گیرد. حتی گاه دیده می‌شود مفاهیم دینی و اعتقادی در چارچوب پارادایم‌های غربی که دارای رویکرد سکولار و غیردینی است، ارائه یا ترویج می‌شود. ثمره چنین رویکردی، گسترش نوعی معنویت‌گرایی در قالب سبک زندگی غربی یا امریکایی است که البته با نظام معنایی توحیدی مورد نظر اسلام، فاصله بسیاری دارد. پس شایسته آن است که رسانه ملی در عمل، به جای انتخاب آسان‌ترین راه، بکوشد بهترین گزینه را انتخاب کند، و در کنار آموزش نیروهای متعهد، به پژوهش در حوزه مفاهیم دینی بپردازد و با روزآمد کردن مفاهیم برگرفته از منابع اصیل دینی و استفاده از الگوهای برآمده از آن، آثار فاخر و اصیلی تولید کند که در چارچوب آموزه‌های دینی، به ترویج سبک زندگی اسلامی یاری رساند.

۳. در الگوهای ارائه شده مربوط به شیوه گذران اوقات فراغت، به ویژه در زمینه ورزش، باید درباره اهداف و مقاصدی که تأمین می‌گردد، توجه کافی صورت گیرد. در مباحث پیشین این نوشتار گفتیم که فراغت، به معنای بطلان نیست و گزینه‌های معرفی شده برای غنی‌سازی اوقات فراغت، خود باید از غنای کافی برخوردار باشد. متأسفانه با وجود آنکه اوقات فراغت جامعه ایرانی تا حد بسیار زیادی رسانه‌محور به شمار می‌رود، رسانه ملی از این ظرفیت به خوبی استفاده نمی‌کند، و به دور از اهداف اوقات فراغت، که تلاش برای شکوفایی خلاقیت و کسب آمادگی برای آغاز دوباره فعالیت و دور ساختن مخاطبان از انفعال است، به برنامه‌هایی با محتوا و غنای فرهنگی توجه چندانی ندارد. شاید مهم‌ترین شاخص این رویکرد، تأکید بیش از حد رسانه بر پخش مسابقات ورزشی مانند فوتبال باشد، که متأسفانه از سوی رسانه ملی و در هماهنگی با رویکرد نادرست جهانی، پذیرفته شده، و به مخاطب رسانه تحمیل می‌شود؛ حال آنکه گزینش انفعالی این گونه از برنامه‌ها از سوی مخاطب رسانه در اوقات فراغت، نه آرامشی را تأمین می‌کند و نه خلاقیتی را شکوفا می‌سازد.

منابع

کتاب

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۶. *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*. تحقیق از مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. بوردیو، پی.یر. ۱۳۹۰. *تمایز - نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: ثالث.
۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸. *اسلام و محیط زیست*. تنظیم و تحقیق عباس رحیمیان. قم: إسرائ.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۴ق. *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: موسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
۶. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی. ۱۳۷۷. *الحیة*. ترجمه: احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. رجبی، محمود. ۱۳۸۵. *انسان‌شناسی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^۵.
۸. سیدرضی. ۱۳۷۰. *نهج‌البلاغه*. ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.
۱۰. فیض‌الاسلام، سیدعلی‌نقی. ۱۳۶۸. *ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه*. تهران: فیض‌الاسلام.
۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۲. *اصول الکافی (ج ۱)*. تهران: اسوه.
۱۲. کوئن، بروس. ۱۳۸۰. *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۱۳. گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۷. *تجدد و تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۱۴. لک‌زایی، نجف. ۱۳۸۵. *سیره پیامبر اعظم در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی*. قم، بوستان کتاب.
۱۵. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۲. *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث*. ترجمه: سیدابوالقاسم حسینی. قم: دارالحدیث.
۱۷. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۷. *دین و سبک زندگی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. هندی، ل‌بی؛ و دیگران. ۱۳۸۱. *اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان*. ترجمه: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر. تهران: نسل سوم.

مقاله

۱. ربانی، رسول. و شیرینی، حامد. ۱۳۸۸. «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران». فصلنامه علمی پژوهشی *تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، ش ۸. ۲۰۹ - ۲۴۲.
۲. رفعت‌جاه، مریم. ۱۳۹۰. «فراغت و ارزش‌های فرهنگی». فصلنامه علمی پژوهشی *تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، ش ۱. ۱۵۱ - ۱۹۰.
۳. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. و هاشمی، سیدضیاء. ۱۳۸۱. «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر». *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰. ۱۴۹ - ۱۶۷.
۴. فصیحی، امان‌الله. ۱۳۸۶. «دین و سرمایه اجتماعی». ماهنامه علمی ترویجی *معرفت*، ش ۱۲۳. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۶. «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». فصلنامه علمی- پژوهشی *تحقیقات فرهنگی*، ش ۱. ۱۹۹ - ۲۳۰.

